



امکان‌سنجی استناد به تئوری تعدیل در حقوق ایران به عنوان راهکاری در تعذر قراردادی - روش‌نعلی شکاری، سید مصطفی میلانی  
حمایت کیفری از حقوق نسل‌های آینده در اسناد بین‌المللی - عادل ساریخانی، مصطفی کرمی پور  
تحلیل حق نظارت مردم بر حکومت از دیدگاه علی (علیه السلام) با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - ابراهیم موسی زاده،  
محمد صالحی

تاملاتی در تشریح قسامه با توجه به علوم جرم‌یابی - محمدعلی حاجی ده‌آبادی، روح‌الله شمشیری  
بازخوانش تعاملات (برخی گروه‌های مذهبی و بازیگران نظام بین‌الملل) حوزه تروریسم به عنوان وسیله دستیابی به منافع ملی با  
تاکید بر مسئولیت‌های حقوقی در کشورهای اسلامی - سید محمدرضا موسوی فرد، حمیدرضا نوروزیان، عارفه کردی نسب،  
نفیسه طوسی، آیدا قاسم زاده

اصل منع اعاده پناهندگان از منظر اسناد حقوق بشری با تاکید بر پناه جویان زیست محیطی - مهناز خرسندی، عسکر جلالیان  
خطرات اولویت یافتن مسائل مادی در مشاغل حقوقی - محمد ستایش‌پور، مریم فرجی ترک  
احکام و آثار اذن در نظام حقوقی ایران و فرانسه - حسن نجارها  
مقایسه رکن مادی جرم کلاهبرداری رایانه‌ای با سنتی - علی پایدارفرد، جواد نادری عوج بغزی، احمدرضا امتحانی  
مبانی نظری حاکم بر کنترل تسلیحات نظامی با تاکید بر مواضع متعارض سازمان ملل متحد و سازمان تجارت جهانی در خصوص تجارت  
تسلیحات نظامی متعارف - پوریا ابراهیم زاده، سمیه رحمانیان

کودک و کودکی از منظر فلسفه و ادبیات - مریم شعبان  
اعتبار امر مختوم در دعاوی مدنی و کیفری - امیر محمدی، محمدمهدی حیدری، سهیلا مرادی قلعه  
جایگاه شعب تخصصی کوزوو در نظام عدالت کیفری جهانی - مصطفی فضائلی، آرش ملک  
جرم انگاری اظهار خلاف واقع مطلع در حقوق ایران - سعید اسدزاده، فاطمه احدی، مجتبی کنجوری  
اقدامات شرکت‌های خارجی بابت استفاده عراق از تسلیحات شیمیایی در دفاع مقدس از منظر حقوق مسئولیت بین‌المللی -  
محمد ستایش‌پور، پریشان شفانی

مروری جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی نسبت به پدیده روسپیگری در نظام بین‌الملل و ایران با تاکید بر آموزه‌های جرم‌شناسی  
اسلامی - سید محمدرضا موسوی فرد، اسد اخضری فرد، علی مردان احمدی  
تعامل پلیس با نهادهای پیشگیری از جرم - مینا مومنی، سید مهدی احمدی موسوی  
حقوق کودکان مهاجر در اسناد ملی و بین‌المللی - رضا خواجه نورالدینی، سیده پریسا میرابی  
صلاحیت واقعی قوانین کیفری از منظر حقوق اسلام - مصطفی کرمی پور، مونا رجب زاده باغی  
بررسی تغییر از جرائم خیابانی به جرائم سایبری در آغاز همه‌گیری کووید-۱۹ - رویکردی به نظریه فعالیت‌های روزانه - مریم کمائی  
جایگاه مأمورین امنیتی انگلستان در کشف جرایم - زهرا وهبی، آرش رزمی

استقلال قضات در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در پرتو آموزه‌های دین‌مبین اسلام - محمد ستایش‌پور، فاطمه زهرا آسیان  
شرایط قانونی و ابعاد حقوقی و کیفری مالکیت فکری در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران - سمیه زیلابی، صادق فتیلی، ابراهیم مقدم  
امکان‌سنجی تحقق ایده جرم انگاری (جرم مسئولیت مدنی مدیران) از تئوری تا عمل بر اساس رویکردهای مدل مسئولیت کیفری  
قانون اقدام راهبردی لغو تحریم‌ها - سید محمدرضا موسوی فرد، حمیدرضا نوروزیان، نفیسه دهرویه، محمدرسول انصاری نیا،  
ندا حقیقی

ارزیابی فقهی-حقوقی تعدد واقعی در حدود، قصاص و دیات - علی محمدی جورکویه، احمدرضا امتحانی، جواد نادری عوج بغزی  
جایگاه و نقش مردم در استقرار و استمرار نظام امت و امامت در پرتو آراء شهید بهشتی - محمدصادق داریوند  
میانجیگری، نظام عدالت مشارکتی، نسل سوم نظام عدالت کیفری و حقوق اطراف دعوا - صادق فتیلی، محمد فتیلی، ابراهیم مقدم



## The Position and Role of the People in the Establishment and Continuation of Ummat and Imam System In The Light of Martyr Beheshti's Opinions

## جایگاه و نقش مردم در استقرار و استمرار نظام امت و امامت در پرتو آراء شهید بهشتی

Mohammad Sadeq Darivand

Continuous Master's student of Islamic Studies and Public Law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran

محمدصادق داریوند

دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و حقوق عمومی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

darivand1378@gmail.com

<http://orcid.org/0000-0002-5208-6366>

### Abstract

The Governance system of Islam in the intellectual system of martyr Beheshti is Ummat and Imāmat (Nation and Leadership) System that the nation of Iran led by imam Khomeini (pbuh) took steps to govern this political system. Therefore it was necessary to explain the position of the leadership and the role of the people in the establishment and administration of the political system in the constitution as the most important official document in the country. In this regard, martyr beheshti as deputy chairman of the Assembly of Experts for Constitution has a prominent role in approving the principles of leadership and The role of the people in running the government & continuity of the Islamic government. The main question of this article is that what are the thoughts of martyr beheshti as one of the most important intellectual leaders of Islamic revolution about the role of people in the establishment and administration of Islamic government by relying on the principles of the constitution of the Islamic republic of Iran. In this research and present study, it has been tried to answer this question with the documentary- library method and with an analytical view. The results of this study show that martyr Beheshti believes the system that based on the authority of the Wialii Faqih (Islamic jurist) is the best form of government in the age of absence. In his opinion, this type of system has three characteristics: Compliance with the school of Islam, Being popular and is not imposed to people and accordingly choosing the kind of government, selection of constitution, selection of all government officials from the leadership, presidency, representatives of the Islamic Parliament and members of the Islamic councils should be based on the opinion of the people because people have an important role in the Islamic Republic of Iran.

**Keywords:** Islamic Republic of Iran, Martyr Beheshti, the Constitution, Religious Democracy, Muslim Nation.

### چکیده

نظام حکومتی اسلام در منظومه فکری شهید بهشتی، نظام امت و امامت نام دارد که ملت ایران به رهبری امام خمینی (ره) در مسیر حاکم کردن این نظام سیاسی گام برداشت. از این رو لازم بود تا در قانون اساسی به عنوان مهم ترین سند رسمی کشور، جایگاه نهاد رهبری و نقش مردم در استقرار و اداره این نظام سیاسی به درستی تبیین شود. در همین خصوص شهید بهشتی به عنوان نایب رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی دارای نقشی برجسته در دفاع از اصل مربوط به جایگاه نهاد ولایت فقیه و جایگاه مردم در تشکیل و استمرار حکومت اسلامی می باشد. پرسش اصلی مقاله این است که اندیشه شهید بهشتی به عنوان یکی از رهبران فکری انقلاب اسلامی در زمینه نقش مردم در تشکیل و اداره نظام اسلامی با تکیه بر اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ و در پژوهش حاضر سعی بر آن شده است با روش اسنادی-کتابخانه ای و با نگاهی تحلیلی به این پرسش پاسخ داده شود. یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد که شهید بهشتی نظام حکومتی مبتنی بر نهاد ولی فقیه را بهترین نوع حکومت در عصر غیبت می داند. از نظر ایشان این نوع نظام دارای ویژگی های سه گانه مکتبی بودن، مردمی بودن و غیر تحمیلی بودن است و بر همین اساس در دیدگاه فکری ایشان، انتخاب نوع حکومت، انتخاب قانون اساسی، گزینش همه مقامات حکومتی از رهبری، ریاست جمهوری، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اعضای شوراهای اسلامی باید متکی بر آراء مردم باشد، چرا که مردم نقشی اساسی در نظام جمهوری اسلامی دارند.

**واژگان کلیدی:** جمهوری اسلامی ایران، شهید بهشتی، قانون اساسی، مردم سالاری دینی، ملت مسلمان.

Received: 2022/07/30 - Review: 2022/09/22 - Accepted: 2022/10/21

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۰۷ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۳۱ - پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۲۹

مقاله پیش رو به روح پرفروش شهید مظلوم حضرت آیت الله دکتر بهشتی تقدیم می‌گردد.

ارجاع:

داریوند، محمدصادق؛ (۱۴۰۱)، جایگاه و نقش مردم در استقرار و استمرار نظام امت و امامت در پرتو آراء شهید بهشتی، تمدن حقوقی، شماره ۱۲.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY



## مقدمه

با تلاش و جان‌فشانی‌های ملت قهرمان ایران به رهبری امام خمینی (ره) طی سالیان نهضت اسلامی از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷، نظام سیاسی پادشاهی ایران سقوط کرد تا از این رهگذر عصری جدید فراروی این کشور و مردم آن تجلی یابد که اصل اول<sup>۱</sup> قانون اساسی به خوبی این موضوع را بیان می‌کند. مردم ایران از آن جایی که مسلمان هستند و اسلام را به‌عنوان مکتب زندگی خود انتخاب کرده‌اند، زمینه لازم را برای تشکیل حکومت اسلامی به منظور اجرای احکام اسلام فراهم نمودند و این امر طی انقلاب اسلامی ملت ایران به رهبری امام خمینی (ره) در ۱۳۵۷ محقق شد و بدیهی است که هر نهضت و انقلابی نیازمند به رهبری است که آن نهضت را با کمک مردم برای تحقق اهداف آن به پیش برده و از آن نهضت در برابر به وجود آمدن انحرافات احتمالی حراست و پاسداری کند و به همین جهت نهاد امامت امت در نظام اسلامی از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به دنبال استقرار نظام جمهوری اسلامی پس از همه‌پرسی فرودین

۱- حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، براساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالی قدر تقلید آیت‌الله‌العظمی امام خمینی، در همه‌پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یک هزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی الاول سال یک هزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت ۹۸۰۲ درصد کلیه کسانی که حق رای داشتند، به آن رای مثبت داد.

سال ۱۳۵۸، مجلس خبرگان قانون اساسی در مردادماه همان سال برای نوشتن یک قانون اساسی متکی بر مکتب اسلام تشکیل گردید و لازم بود تا علاوه بر مشخص شدن نهاد رهبری در جامعه اسلامی، مراتب اثرگذاری مردم در استقرار و استمرار نظام جمهوری اسلامی ایران به روشنی تبیین شود، چرا که اساساً یکی از مهم‌ترین ارکان تشکیل هر حکومتی، مردم آن کشور است و بی‌تردید تشکیل هر حکومتی بدون رضایت مردم، ممکن و میسر نخواهد بود.

در اندیشه حقوقی-سیاسی شهید بهشتی، نام راستین نظام جمهوری اسلامی ایران، نظام امت و امامت نام دارد به این معنا که امت مسلمان و حق‌گرا به دور امام مسلمین که در عصر غیبت فقیه عادل جامع شرایط است، جمع می‌گردند که طی یک رابطه مبتنی بر شناختن آگاهانه، شخص فقیه به‌عنوان سرپرست و امام جامعه مورد پذیرش امت اسلامی قرار می‌گیرد. بنابر تلقی شیعه، امامت در جامعه و نظام اسلامی آن قدرت برتری است که تلاش جمعی و اخلاق فردی افراد جامعه اسلامی را تدبیر و رهبری می‌کند و در عین حال هم معلم اخلاق و دنیای مسلمین و هم حاکم زندگی و کوشش آن‌ها می‌باشد و بدین ترتیب امام در فرهنگ شیعه به معنای پیشوای امت است هم در امور مربوط به عالم دنیا مانند اداره کشور به لحاظ سیاسی-اجتماعی و هم در آموزش و تعلیم و راهبری معنوی مردم و حل کردن نکات فکری و تبیین اصول و ارزش‌های اسلامی برای مردم (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ۶۱).

از سویی در دین مبین اسلام، رابطه اصلی میان افراد بشر بر پایه پیوندهای قومی و خونی و نژادی و نیز حرکت به سوی یک مقصد و آرمان (به هرگونه که باشد) و نیز، براساس پیوندهای قبیله‌ای نمی‌باشد؛ بلکه اصلی‌ترین عامل در جهت پیوند میان افراد جامعه اسلامی، پیشروی به سوی مسیر معینی است که با علم و آگاهی به سمت و سوی معینی انتخاب کرده‌اند و رهبری مشترک، لازمه این نوع وحدت اجتماعی است (احمدی، ۱۳۸۸، ۵۰) و به همین جهت واژه «امت» در اصول پنجم<sup>۲</sup>، پنجاه و هفتم<sup>۳</sup> و یکصد و هفتاد و هفتم<sup>۴</sup>

۲- در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه)، در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.

۳- قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.

۴-... مصوبات شورا پس از تأیید و امضای مقام رهبری باید از طریق مراجعه به آراء عمومی به تصویب اکثریت مطلق شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی برسد. رعایت ذیل اصل پنجاه و نهم در مورد همه‌پرسی «بازنگری در قانون اساسی» لازم نیست. محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتنای کلیه قوانین و مقررات براساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف



قانون اساسی، از قرابت معنایی زیادی به معنای «ملت» در ادبیات معمول حقوق عمومی برخوردار باشد، چرا که آن پیوند استواری که وحدت را در این نظام سیاسی رقم زده و آن را از دیگر جدا می‌کند، دو رکن بسیار مهم «باور دینی» و «زعامت و امامت مکتب محور» می‌باشد. به عبارت بهتر افرادی که در جامعه اسلامی زندگی می‌کنند علاوه بر داشتن پیوندهای نزدیک از جنبه‌های تاریخی و نظیر آن، بر پایه رکن باور دینی و زعامت و امامت مکتب محور در کنار یکدیگر جمع می‌گردند. اگر به مقدمه قانون اساسی و نیز به مشروح مذاکرات قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ مراجعه کنیم شاهد مثال‌های فراوانی بر این نکته می‌یابیم<sup>۵</sup> (ارسطا و نیکونهاد، ۱۳۹۳، ۴۳).

تاکنون محققانی درباره اندیشه‌های حکمرانی شهید بهشتی تحقیقاتی را به رشته تحریر در آورده‌اند که در آن‌ها جنبه‌هایی از نقش مردم در حکومت اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است از جمله آن که آقایان منصور انصاری و توحید خدایی داش تپه در مقاله «رابطه دولت و مردم در جوامع اسلامی در اندیشه سیاسی شهید بهشتی» به رابطه ملت با دولت در معنای اعم آن پرداخته‌اند و حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی میان مردم و دولت را مورد بررسی قرار داده‌اند و نیز آقایان علی مشهدی و آیت‌الله جلیلی مراد در مقاله‌ای تحت نام «دستورگرایی از منظر شهید بهشتی در پرتو نظریه امت و امامت» به طرح کلی بازخورد نظریه امت و امامت در نظام جمهوری اسلامی پرداخته‌اند، لکن وجه نوآوری و تمایز پژوهش حاضر با مقالات مورد اشاره در این است که نقش آفرینی مردم در تشکیل و اداره نظام جمهوری اسلامی را به صورت ریز و دقیق مورد بررسی قرار داده است و در اثر حاضر تلاش شده است به این سؤال محوری پاسخ داده شود که موضع و دیدگاه فکری شهید بهشتی به‌عنوان یکی از اعضای بسیار مؤثر در تدوین قانون اساسی در خصوص جایگاه مردم در تحقق حکومت دینی و اداره آن چیست و ایشان نقش مردم را در نظام جمهوری اسلامی ایران چگونه ارزیابی می‌کنند؟ در ادامه سعی بر آن شده است تا از طریق گردآوری گفتارها و نوشتارهای ایشان به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی بدین

---

جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکاء به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییرناپذیر است.

۵- شهید بهشتی در تعریف امت و تفکیک آن از مفهوم ناس معتقد است: «بر اساس قرآن کریم و سنت معصومین، تمام نظر مکتب، به عامه مردم است و در میان عامه مردم آن‌ها که بر محور این مکتب جمع می‌شوند و شکل می‌گیرند از تقدم و اولویت خاص برخوردارند ولی امت غیر از ناس است. در واقع اسلام در خدمت همه ناس است و صلاح همه افراد و نه فقط صلاح مسلمانان را می‌خواهد. لذا نظام اسلامی به سعادت کل بشر می‌اندیشد ولی در میان کل بشر، آن‌ها که بر پایه اعتقاد به اسلام و التزام به اسلام یک مجموعه به وجود می‌آورند امت می‌شوند» (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰، الف، ۴۰).

مسئله پاسخی مناسب داده شود.

به همین منظور، مقاله حاضر، نخست به تعریف نظام امت و امامت و برشمردن ویژگی‌های این نظام سیاسی از منظر شهید بهشتی و نیز به ضرورت وجود نهاد امامت و رهبری در جامعه اسلامی می‌پردازد و پس از آن ضمن بحث درباره جایگاه انتخاب‌گری در زندگی اجتماعی انسان، بررسی جزئی و دقیق نقش مردم در تشکیل و اداره این نظام سیاسی را در منظومه فکری ایشان به زیر ذره‌بین می‌برد.

## ۱- تعریف و مشخصات نظام امت و امامت

شهید بهشتی عقیده دارد نام راستین نظام حقوقی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران، نظام امت و امامت نام دارد و از این نظر با هیچ کدام از عنوان‌هایی که در کتب حقوق عمومی و حقوق اساسی به کار رفته است، مطابقت ندارد، چرا که این عنوان مختص به فرهنگ اسلامی است و از دیگر فرهنگ‌ها به عاریت گرفته نشده است (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰، الف، ۳۹). از این رو در این گفتار ابتدا به تعریف این نوع نظام سیاسی و سپس بررسی ویژگی‌های آن از نظر شهید بهشتی پرداخته خواهد شد.

### ۱-۱- تعریف

شهید بهشتی، رابطه میان امت رهبری و زمامداری و توده مردم و امت، مانند رابطه پدر و فرزندان است (سرابندی، ۱۳۸۶، ج ۳، ۳۶۲) و از نظر ایشان نظام امت و امامت بدین معناست که امام و امامت در نظام مدیریت جامعه اسلامی اصل محسوب می‌شود و همه چیز دیگر باید در پرتو این اصل مهم در جای خودش ساخته و شناخته شود و قرار گیرد و به این ترتیب، همه نهادهای حکومتی جامعه باید در خط امام باشند؛ رئیس جمهور باید در خط امام باشد، مجلس باید در خط امام باشد، قوه قضاییه و مسئولان باید در خط امام باشند، نیروهای نظامی و انتظامی باید در خط امام باشند؛ این می‌شود امامتی که برخاسته از بطن و متن امت است و دائماً با امت می‌اندیشد، حرکت می‌کند و هر وقت سخنی از دهانش بیرون آید امت احساس می‌کند سخن دل اوست که بر زبان امامش جاری شده. در واقع این پیوند را با هیچ چیز نمی‌توان درست کرد، چرا که این یک پیوند ویژه است و جز از همین مسیری که در مکتب اسلام طی شده است، نمی‌شود به آن رسید (شعاع حسینی، ۱۳۹۲، ج ۳، ۱۶).

## ۲-۱- مشخصات نظام امت و امامت

### ۱-۲-۱- مکتبی بودن

شهید بهشتی معتقد است جوامعی که مکتب محور هستند؛ یعنی جوامعی که در آن، مردم در اولین گام و قبل از هر کار دیگری، مکتب و ایدئولوژی خود را انتخاب می‌کنند و با این انتخاب خود، در واقع اعلام می‌دارند که زین پس باید همه امور، براساس این مکتب پیش برود. این انتخاب به شکل کاملاً آزادانه‌ای صورت پذیرفته و مردم این جامعه با اقدام اول خود، اقدامات بعدی را چهارچوب مکتب محدود کرده‌اند. فلذا به این نوع جامعه‌ها، جامعه‌های ایدئولوژیک یا نظام‌های مکتبی می‌گویند و بر همین اساس جمهوری اسلامی که یک نظام مکتبی است، با جمهوری دموکراتیک متفاوت خواهد بود (اداره کل امور فرهنگی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۱، ۳۸۰).

ایشان درباره مکتبی بودن نظام امت و امامت معتقد است: «اولین ویژگی نظام سیاسی اسلام این است که نظامی است مکتبی و متعهد در برابر مکتب. اجباری هم نیست. هر کس این مکتب را پسندید، دوست داشت و به آن دل بست بیاید و هر کسی هم به آن دل نیست نیاید؛ ولی نظام مکتبی است آنچه در اوج و قله قرار دارد اصول عقیدتی و عملی اسلام، براساس کتاب و سنت است. از آن جا این تعلیم داده می‌شود که مسئله مهم برای نظام ناس و مردم، یعنی کل مردم جهان است و حامل این مسئولیت در جهت صلاح کل مردم جهان امت است» (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰، الف، ۴۲).

### ۲-۲-۱- مردمی بودن

شهید بهشتی بزرگ‌ترین ویژگی انقلاب اسلامی ایران را مردمی بودن آن معرفی می‌کند و بیان می‌دارد که خصلت مردمی بودن انقلاب و متکی بودن انقلاب به توده مردم را باید حفظ کرد و حفظ این خصلت را بر هر مصلحت دیگر و هر کار خوب دیگر مقدم داشت تا جایی که مدیریت ملت و اداره مملکت، روز به روز بر خواست ملت و حمایت ملت بیشتر تکیه کند (اردشیری لاجیمی، ۱۳۹۰، ۱۰۳).

ایشان درباره مردمی بودن نظام جمهوری اسلامی به صراحت اعلام می‌کند که: «نظام اجتماعی جدید ایران نظامی است اسلامی، ولی نظامی است که مردم با انتخاب و اختیار و گزینش خودشان آن را انتخاب کردند، نظامی است در راه خدمت به مردم؛ یا به تعبیر دیگر نظامی است مردمی بر پایه اسلام. بنابراین نظام اجتماعی آینده ما نظامی است ایدئولوژیک، نه نظامی فاقد ایدئولوژی؛ متعهد در برابر اسلام؛ و نظامی است مردمی و اومانیستی نه ملی و ناسیونالیست، آن هم اومانیسیم اسلامی که انسان دوست است نه انسان

پرست و همه این مفاهیم در نامی که برای این نظام انتخاب شد نهفته است. چه نامی انتخاب شد؟ جمهوری اسلامی» (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰، ب، ۶۴).

### ۳-۲-۱- غیر تحمیلی بودن

مکتب اسلام و به تبع آن نظام اجتماعی و سیاسی اسلام، نظامی است بدون این که بر مردم تحمیل شود، چرا که در دیدگاه شهید بهشتی اعتقاد و باور اصولاً قابل تحمیل نیست و با زور و تهدید و اکراه یا تطمیع نمی‌توان عقیده‌ای را به دیگری منتقل ساخت یا از او سلب کرد و تنها بحث و استدلال و تجربه و تجزیه و تحلیل و اقناع و نظایر این هاست که می‌تواند وسیله ایجاد یا سلب عقیده باشد (حسینی بهشتی، ۱۳۸۸، ۴۰۵).

شهید بهشتی در تفاوت میان رابطه میان امام و امت در زمان حضور و غیبت معصوم معتقد است که نبوت و امامت در صدر اسلام از جانب خدا تعیینی بوده، اما هرگز به نحو تحمیلی بر مردم نبوده است، حال آن که در عصر غیبت امام زمان (عج) این رابطه نه تعیینی و نه تحمیلی بلکه مبتنی بر یک شناخت آگاهانه می‌باشد. ایشان در همین رابطه می‌فرمایند: «(وقتی در صدر اسلام) به مسلمانان گفته می‌شود اطیعوا الرسول؛ باید از این پیامبر فرمان ببرید. تعیینی است، ولی تحمیلی نیست. چون وقتی مسلمانان به فرزند عبدالله به‌عنوان نبی الله و رسول الله معتقد شدند و ایمان آوردند، زمینه قبول اطاعت او را با خود در دل دارند. تعیینی هست ولی تحمیلی نیست. ولی امروز در این عصر غیبت امام معصوم منصوب منصوص، در این عصر، امامت، دیگر تعیینی نیست؛ تحمیلی هم نیست؛ بلکه شناختی و پذیرفتنی یا انتخابی است. بنابراین رابطه امت و امامت در عصر ما یک رابطه مشخص است. دقت بفرمایید! شناختن آگاهانه و پذیرفتن نه تعیین و نه تحمیل» (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰، الف، ۴۱-۴۰).

بنابراین در نظر دکتر بهشتی، رهبری واجد شرایط نیز با انتخاب مردم تمامیت و شأنت پیدا می‌کند و بدون این انتخاب «کسی نمی‌تواند تحت عنوان فقیه عادل، باتقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر، مدبر خودش را بر مردم تحمیل کند. این مردم هستند که باید او را با این صفات به رهبری شناخته و پذیرفته باشند» با همین دیدگاه در اصل پنجم قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸ نوشته شد: «اکثریت مردم او را به رهبری شناخته و پذیرفته باشند» (ورعی، ۱۳۹۶، ۹۱).



## ۲- ضرورت وجود نهاد امامت و ولایت فقیه از دیدگاه شهید بهشتی

### ۲-۱- ضرورت وجود نهاد امامت در جامعه

در باور شهید بهشتی به دلیل این که نبوت پس از پیامبر اسلام (ص) خاتمه پیدا می‌کند که این رخداد در آیات قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است، چنانکه در قرآن کریم گفته شده: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (سوره مبارکه احزاب، آیه شریفه ۴۰) و به دلیل این که دیگر از طریق وحی، دین جدیدی برای مردم نمی‌آید فلذا ضرورت دارد تا پس از پیامبر اکرم (ص) فردی به‌عنوان جانشین و امام مبسوط الید در میان امت اسلامی حضور داشته باشد تا اموری از قبیل داوری در اختلافات حقوقی، جلوگیری از تجاوزات، اقدام برای گسترش حوزه نفوذ فکری و فرهنگی و حوزه نفوذ اجتماعی و حکومتی اسلام و وظیفه بیان احکام دینی و تفسیر قرآن و قوانین دینی را بر عهده گیرد (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰، ب، ۴۵۸).

موضع ایشان درباره نهاد امامت در مکتب مبین اسلام این است که: «امامت در تاریخ اسلام و تاریخ تشیع یک اصل زنده است و پس از نبی اکرم (ص)، باید امیرمؤمنان علی (ع) امام و پیشوای مسلمین باشد و آنچه خدا و رسولش خواسته‌اند و مقرر کرده‌اند این است، چرا که قصه، قصه انسان الگو و نمونه ممتازبودن است. ایشان اعتقاد دارند که امامت یک اصل عالی و تا روز قیامت زنده است و در یک جامعه اسلامی، امام و زمامدار و رهبر باید با یک الگوی تمام عیار اسلام باشد همچنانکه حضرت علی (ع) بود و یا اگر نتوان مانند ایشان بود، باید علی‌گونه زیست و رفتار، اعمال، گفتار و مواضع زمامدار و رهبر جامعه مکتبی اسلام باید تجلی اسلام باشد. این یک اصل طبیعی است که «الناس علی دین ملوکهم». عمل و رفتار زمامدار و رهبر جامعه بر مردم اثر می‌گذارد (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰، ب، ۵).

### ۲-۲- ضرورت وجود ولایت فقیه در عصر غیبت

آیت‌الله بهشتی ضرورت ولایت فقیه را، همچون ضرورت اصل امامت، ناشی از ضرورت حاکمیت مکتب در جامعه اسلامی می‌داند، زیرا در یک جامعه مکتبی، ولی امر باید برجسته‌ترین نمونه علمی و عملی مکتب باشد. بنابراین اصل پنجم قانون اساسی و ضرورت ولایت فقیه، رهبری یک اسلام شناس عادل و با تقوا و شجاع و آگاه به زمان و مدیر و مدبر برای همه مسلمانان چه شیعه و چه سنی اصالت و اعتبار دارد (حسینی بهشتی، ۱۳۸۸، ۳۸۹).

۶- محمد پدر هیچ‌یک از مردان شما نیست ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است و خدا همواره بر هر چیزی داناست.

شهید بهشتی اعتقاد دارد برای آن که یک جامعه اسلامی روند رشد یابد و در عین حال خالص اسلامی داشته باشد، فقیهان باید دو مسئولیت بزرگ و اساسی را بپذیرند: «اول: فقاقت و تلاش فقیه برای یافتن پاسخ به سؤال‌های تازه که در رشد جامعه پیش می‌آید. فقیه باید با احاطه بر معارف اسلامی و توانایی بر تجزیه و تحلیل مسائل نو بر پایه تعالیم اسلام، همواره پاسخ اصیل اسلامی به سؤال‌های تازه را بیابد و مردم را از این نظر راهنمایی کند. دوم: ولایت فقیه و حضور رهبری‌کننده او در اجرای قوانین که این حضور از دو جهت لازم است: یکی از این جهت که او پیچیدگی مسائل تازه را بهتر و عمیق‌تر لمس کند و در نتیجه، فقاقت یعنی همان مسئولیت اول را بهتر و سودمندتر انجام دهد و نظراتش راهگشاستر و کارسازتر باشد و دیگر این که طبق تجربه تاریخی، نظرات فقهی خالص و صحیح، معمولاً در جریان عمل دستکاری می‌شود و از خطر انحراف مصون نیست و حضور رهبری‌کننده و جهت‌دهنده فقیه در جریان عمل از این خطر می‌کاهد و هر جا دستکاری لازم باشد با نظر او صورت می‌گیرد و اصالت اسلامی نظام در عمل اجتماعی کمتر آسیب می‌پذیرد» (حسینی بهشتی، ۱۳۸۸، ۳۸۸).

### ۳- جایگاه انتخاب‌گری انسان در زیست اجتماعی از منظر شهید بهشتی

در دیدگاه فکری شهید بهشتی، انسان موجودی مسئول در نظام هستی است و این مسئولیت‌پذیری و حق انتخاب، برای او رنج آفرین است لذا بالاترین رنج در زندگی انسان، رنج انتخاب آگاهانه و متعهدانه هست. به تعبیر ایشان زمانی که انسان متعهد باشد و دائماً خود را در حال انتخاب بیابد و ببیند که دائماً با مشکل و معما روبه‌رو است و باید آن‌ها را حل نماید، آن زمان انسان متعالی شده و انسانی خواهد شد که دارای فرهنگ اصیل اسلامی است (سرابندی، ۱۳۸۶، ج ۳، ۳۸۰).

به باور شهید بهشتی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای نظر اسلام درباره اصالت آمیخته فرد و اجتماع پایه‌گذاری شده است؛ یعنی این طور نیست که در نظام اسلامی فقط فرد دارای اصالت باشد و در نظام و محیط اجتماعی هیچ نقش مؤثری نداشته باشد و بازیچه سرنوشتی باشد که محیط اجتماعی برایش تعیین می‌کند، بلکه هر انسانی خودش سرنوشت‌ساز است و این، تداعی‌گر همان حدیث معروف «امر بین الأمرین» می‌باشد. بنابراین انسان نه محکوم به جبر محیط اجتماعی است و نه صد در صد حاکم بر محیط اجتماعی است (ورعی، ۱۳۹۸، ۶۸).

ایشان درباره جایگاه انتخاب‌گر بودن انسان آزاد در زندگی اجتماعی باور دارند که مردم باید این توانایی را داشته باشند که بتوانند اداره جامعه را به دست افراد شایسته بسپارند که این مهم، کار ساده‌ای نیست و چه بسا

بی‌توجهی مردم آنان را گرفتار استبداد نماید؛ بر این اساس مردم که صاحبان اصلی حق هستند باید سطح دانش و بصیرت خود را افزایش دهند و با داشتن شناختی عمیق، نسبت به گزینش زمامداران اقدام نمایند (قاسمی، ۱۳۹۵، ۲۸۸). به عبارت دیگر ایشان افزایش سطح آگاهی و شناخت مردم را لازمه انتخاب صحیح زمامداران می‌دانند و این نکته را گوشزد می‌کنند که آن جامعه‌ای که بخواهد حق انتخاب داشته باشد باید بداند که به دنبال آن رنج انتخاب هم دارد، زیرا یکی از علل واقعی شکست جامعه‌هایی که به فکر به دست آوردن حق انتخاب می‌افتند، اما حاضر نیستند راه پررنج انتخاب کردن را طی کنند، همین است که فکر می‌کردند که به آن‌ها آزادی کامل داده بشود و حق انتخاب داشته باشند؛ ولی بعداً مشاهده می‌کنند که مسئله به این سادگی نبوده است؛ آن وقت است که شکست خورده و مأیوس می‌شوند، چون این‌ها درک نکردند که انتخاب کردن فردی یا گروهی برای سپردن زمام کار به دست او خیلی کار می‌برد و نیاز به آمادگی و خودسازی و مهارت زیادی دارد (حسینی بهشتی، ۱۳۸۲، ۱۳۶ - ۱۳۵).

#### ۴- جایگاه و نقش مردم در نظام امت و امامت در باور شهید بهشتی

ارتباط میان امام و مردم، ارتباطی تک‌جانبه و بی‌روح نمی‌باشد بلکه چون حکومت اسلامی از ویژگی ولایی بودن برخوردار است، میان امام امت و مردم احساس قربت حکم‌فرماست، چراکه همواره پیشوایان خدایی از درون امت و برای آن‌ها انتخاب شده‌اند و واژه «ولایت» در معنای سیاسی خود با علاقه و دوستی همراه است (جوان آراسته، ۱۳۸۷، ۱۰۴).

بعد از وقوع انقلاب اسلامی و پیش از تأسیس نظام جمهوری اسلامی، سخنان متفاوتی درباره ساختار حکومت جدید، از سوی گروه‌های مختلفی مطرح می‌شد که یکی از آن‌ها، شیوه حکومت اسلامی بود. منظور از این شیوه حکمرانی، حکومتی کاملاً تک‌بعدی و الهی است که در رأس آن یک فقیه دین شناس و جامع شرایط وجود دارد که منصوب امام زمان (عج) در عصر غیبت است که توسط مجلس خبرگان رهبری مورد شناسایی قرار می‌گیرد و در آن تمام ارکان حکومت بر مبنای مکتب اسلام شکل گرفته باشد (بلبسی و کلانتری، ۱۳۹۷، ۱۲۵). براساس این معنا؛ حکومت اسلامی، حکومتی است که نه تنها همه قوانین و مقررات اجرایی آن برگرفته از احکام اسلام است، بلکه مجریان آن نیز یا مستقیماً از طرف خداوند، یا به اذن خاص یا عام معصوم (ع) منصوب شده‌اند. چنین حکومتی، حکومت اسلامی مطلوب خواهد بود؛ زیرا حکومتی با این خصوصیات از پشتوانه حکم الهی برخوردار می‌باشد و براساس اراده تشریحی خدا شکل گرفته است (مصباح یزدی، ۱۳۹۷، ۲۹)؛ اما شهید بهشتی ارزشی والا برای رأی و

نظر مردم قائل بودند و به این نکته باور داشتند که نظام جمهوری اسلامی ایران بر پایه مردمی بودن و مردم دوستی است و از نیروی مردم مایه و قدرت می‌گیرد.

در واقع از آن جایی که اعمال زور و غلبه برای رسیدن به مناصب در حکومت اسلامی ممنوع است و اساساً جباریت در حکومت اسلامی پذیرفته نیست<sup>۷</sup>، همه امور باید با اتکاء و ابتنای بر آرای مردمی انجام شود که اصل ششم<sup>۸</sup> قانون اساسی به خوبی این موضوع را تبیین می‌کند. شهید بهشتی در جریان بررسی و تصویب اصل ششم قانون اساسی بر اهمیت نقش مردم در جریان اداره امور کشور تأکید کرده و می‌فرماید: «بر طبق موازین اسلامی و بر طبق آنچه که عنوان جمهوری اسلامی ایجاب می‌کند، آنچه در اداره امور کشور نقش بسیار مؤثر و بنیادی دارد، آراء مردم است. در آن روزها که پیرامون کیفیت حکومت و اداره آن بحث می‌کردیم آن جا که مربوط به این کیفیت می‌شد، با صراحت و تأکید گفتیم که حکومتی می‌تواند حکومت صحیح و سالم و موفق باشد که مردمی باشد و مردم او را بپذیرند و حمایت کنند و این همان اصلی است که در طول انقلاب روی آن تکیه می‌شد. در این اصول کلی قانون اساسی حتماً لازم است که روی این قسمت تأکید و تکیه بشود و اصلی مستقل برای نقش آراء عمومی را اداره کشور داشته باشد» (اداره کل امور فرهنگی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۱، ۴۰۰).

#### ۱-۴- نقش مردم در استقرار حکومت اسلامی

مردم در راه تشکیل حکومت اسلامی وظیفه بسترسازی و مهیاکردن شرایط تشکیل این حکومت را بر عهده دارند؛ به دلیل آن که در اسلام نظریه قهر و غلبه وجه و جایگاهی ندارد و اقتدار حکومت از راه اختیار و انتخاب مردم حاصل می‌شود (کعبی، ۱۳۹۴، ۱۶۱). در همین راستا پس از پیروزی انقلاب اسلامی در دو مقطع زمانی درباره نوع حکومت و تصویب قانون اساسی از مردم ایران نظرخواهی صورت گرفت که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

#### ۱-۴-۱- انتخاب نوع حکومت

شهید بهشتی درباره انتخاب آزادانه مکتب اسلام از سوی مردم معتقد است: «در یک جامعه اسلامی، یک

۷- بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیست و پنجمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26615>

۸- در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای و نظایر این‌ها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.

یک مردم، یا لاقلاً اکثریت آن‌ها، آگاهانه و آزادانه اسلام را به‌عنوان دین و آیین زندگی فردی و اجتماعی خویش برگزیده و با این گزینش یک قرارداد اجتماعی به وجود آورده‌اند که اداره جامعه آن‌ها باید براساس اسلام باشد و همه نهادهای اجتماعی آن‌ها باید بر پایه تعالیم اسلام به وجود آید و این خواست آن‌ها باید بر همه خواست‌های دیگرشان حاکم باشد» (حسینی بهشتی، ۱۳۸۸، ۳۹۲).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بسیاری معتقد بودند که چون مردم ایران در راهپیمایی‌ها و تظاهرات ضد نظام استبداد، نوع حکومت را جمهوری اسلامی فریاد زدند، دیگر نیازی به برگزاری همه‌پرسی و فراندوم برای تعیین نوع حکومت وجود ندارد، اما امام خمینی (ره) معتقد بودند که باید نوع حکومت با وجود پذیرش مردم به تأیید ملت برسد از این رو در دوازدهم فروردین ماه سال ۱۳۵۸ فراندوم و همه‌پرسی پیرامون تعیین نوع حکومت برگزار گردید که ملت مسلمان ایران با رأی قاطعانه ۹۸/۲ درصدی نوع حکومت را جمهوری اسلامی انتخاب کرد. ایشان که خود از موافقین برگزاری این همه‌پرسی بود این اتفاق تاریخی را چنین روایت می‌کنند: «بزرگ‌ترین ویژگی انقلاب ایران، مردمی‌بودن انقلاب است. تمام کوشش توان و نیروی انقلاب از آن جا مایه می‌گرفت که توده‌های میلیونی مردم، نیروی انقلاب بودند. ما فکر می‌کنیم که خصلت مردمی‌بودن انقلاب و متکی‌بودن انقلاب به توده مردم را باید حفظ کنیم و حفظ این خصلت را بر هر مصلحت دیگر و هر کار خوب دیگر مقدم بداریم. ما می‌گوییم راهی را باید برویم که مدیریت ملت و اداره مملکت، روز به روز بر خواست ملت و حمایت ملت بیشتر تکیه کند. در جلسه‌ای که در مدرسه علوی (مقر استقرار امام خمینی (ره)) تشکیل شد، عده‌ای اصرار داشتند که حالا که همه دنیا فهمیده‌اند این ملت، جمهوری اسلامی می‌خواهد، دیگر فراندوم چه معنایی دارد؟ تاریخ هم ثبت می‌کند... با این حال، به نظر ما ارزش داشت اگر ما چند روز وقت صرف کنیم و برای‌اش شناسنامه رسمی صادر کنیم. بنابراین، ما با اکثریت بر آن شدیم که باید فراندوم برگزار شود تا مردم بگویند جمهوری اسلامی، آری یا نه» (اردشیری لاجیمی، ۱۳۹۰، ۱۰۳).

#### ۲-۴-۱- انتخاب نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی و تصویب قانون اساسی

تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی و انتخاب اعضای آن توسط مردم و برگزاری همه‌پرسی قانون اساسی مصوب خبرگان منتخب ملت و دادن رأی قاطع مردم به آن، گامی بلند در نقش آفرینی مردم در استقرار حکومت اسلامی بوده است. چهار ماه پس از همه‌پرسی جمهوری اسلامی، در تاریخ دوازدهم مرداد ۱۳۵۸ انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی برگزار شد و این مجلس فعالیت خود را از روز بیست

و هشتم مرداد ۱۳۵۸ با هفتادوسه نماینده آغاز کرد و در بیست و چهارم آبان ۱۳۵۸ خاتمه داد. کمتر از یک ماه بعد؛ یعنی در تاریخ دوازدهم آذر ۱۳۵۸ قانون اساسی نگاشته شده توسط خبرگان منتخب ملت، به رأی و همه‌پرسی مردم گذاشته شد و با رأی قاطعانه ۹۹/۵ درصدی به تأیید ملت رسید تا برگ زرین دیگری از نقش آفرینی مردم در عرصه حکومت و سرنوشت سیاسی‌شان رقم خورد به طوری که ملت ایران به فاصله نه ماه در سه انتخابات شرکت کردند، اتفاقی که در هیچ کدام از مقاطع آغازین پس از انقلاب‌های دنیا رخ نداده است.

قانون اساسی به زعم شهید بهشتی، مسائل اصلی اداره جامعه براساس اسلام را برای همیشه یا لاقلاً برای یک مقطع زمانی دراز مدت تعیین می‌کند و تا اکثریت جامعه به آن رأی موافق ندهد اعتبار قانونی پیدا نمی‌کند و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به همین صورت از جانب ملت تصویب گردید (حسینی بهشتی، ۱۳۸۸، ۳۹۲). شهید بهشتی درباره قانون اساسی و لزوم پابندی مردم و مسئولان به آن باور داشتند که همه کسانی که به این قانون اساسی رأی دادند، باید ملتزم باشند که این قانون اساسی به‌عنوان مبنای هرگونه وحدت و هرگونه حرکتی از جانب خود آن‌ها به رسمیت شناخته شود و مورد احترام و عمل قرار گیرد و نبایستی کمترین بی‌اعتنایی به قانون اساسی خود را تحمل کرد، چرا که در جامعه‌ای که به قانون اساسی مصوب خود آن ملت، بی‌اعتنایی و بی‌توجهی شود، این خطر وجود دارد که استبدادها و دیکتاتورهای در شکل‌های جدیدش و با ظاهرهای زیبای فریبنده‌ای که به فکر کسی هم نمی‌رسد، مجدداً در افق سیاسی ایران آزاد شده از بند استعمار و استبداد رخ بنماید و آزادی و استقلال و مردمی‌بودن نظام ما را به خطر افکند. بنابراین باید نسبت به حفظ قانون اساسی از هرگونه تخلف و تجاوز حساس بود (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰، ۸۴-۸۳).

## ۲-۴- نقش مردم در استمرار حکومت اسلامی

شهید بهشتی درباره نقش مردم در استمرار نظام امت و امامت معتقد بود در جامعه اسلامی، مردم در جریان امور نقش تعیین‌کننده دارند ولی تفاوت اصلی نقش مردم در این نظام با نقش آن‌ها در نظام‌های به اصطلاح دموکراتیک این است که در نظام اسلامی این نقش از مجاری مورد قبول مکتب اعمال می‌شود، مکتبی که خود مردم یا لاقلاً اکثریت آن‌ها، آزادانه پذیرفته و تصمیم گرفته‌اند آیین و راه و رسم زندگی آن‌ها باشد (حسینی بهشتی، ۱۳۸۸، ۳۹۱). بنابراین نقش و حضور مستمر مردم در عرصه و صحنه سیاسی کشور از نظر شهید بهشتی از راه‌های زیر اعمال می‌شود:



## ۴-۲-۱- انتخاب رهبری

در منظومه فکری شهید بهشتی، همان‌طور که سنت دیرینه جامعه اسلامی در انتخاب مرجع تقلید بوده و در قانون اساسی نیز در زمینه تعیین رهبری آمده، رهبر یا اعضای شورای رهبری به وسیله اکثریت ملت، یا با پذیرش مستقیم اکثریت قاطع ملت و یا با رأی اکثریت خبرگان منتخب مردم تعیین می‌شوند<sup>۹</sup> (حسینی بهشتی، ۱۳۸۸، ۳۹۲). در همین راستا از منظر شهید بهشتی انتخاب رهبری به دو صورت انجام می‌شود:

## ۱-۲-۴- پذیرش مستقیم اکثریت قاطع ملت

اصول پنجم و یکصد و هفتم<sup>۱۰</sup> قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸ بیان می‌داشت مقام رهبری می‌بایست از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته شود دقیقاً به همان صورتی که برای امام خمینی (ره) صورت گرفت و شهید بهشتی نیز درباره این شیوه انتخاب رهبری اظهار می‌دارد: «زمانی که یک فقیه متواضع، فروتن و مردمی در مقام رهبری امت قرار می‌گیرد، نمی‌تواند خودش را بر مردم تحمیل می‌کند؛ یعنی نمی‌تواند به مردم بگوید که شما باید این فقیه را به رهبری بپذیرید، چرا که بر طبق قانون اساسی پیش‌بینی شده که این فقیه را باید مردم بپذیرند؛ فقیهی که اکثریت قاطع او را به رهبری پذیرفته باشند؛ این شخص رهبر می‌شود و اگر یک نفر فقیه سرشناس که مورد قبول اکثریت مردم باشد، پیدا نشد، آن وقت شورای فقها چند نفر از زبده ترین، پاک ترین، آگاه‌ترین فقها می‌شوند یک شورا و این شورا را نمایندگان آگاه منتخب شما مردم، تعیین و نامزد و معرفی می‌کنند. بنابراین یک چنین رهبر یا یک چنین شورای رهبری، در مقام رهبری امت قرار می‌گیرند» (شعاع حسینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ۱۱۸).

۹- باید توجه داشت که مسئله شورای رهبری و پذیرش مستقیم رهبر از طرف اکثریت قاطع ملت مربوط به قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸ می‌باشد و پس از بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ مبحث شورای رهبری حذف گردیده و پذیرش مستقیم رهبر از طرف اکثریت قاطع ملت به امام خمینی (ره) اختصاص یافته است.

۱۰- پس از مرجع عالی قدر تقلید و رهبر کبیر انقلاب جهانی اسلام و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی «قدس سره الشریف» که از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شدند، تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است. خبرگان رهبری درباره همه فقهای واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم بررسی و مشورت می‌کنند. هر گاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل یکصد و نهم تشخیص دهند او را به رهبری انتخاب می‌کنند و در غیر این صورت یکی از آنان را به‌عنوان رهبر انتخاب و معرفی می‌نمایند. رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسئولیت‌های ناشی از آن را بر عهده خواهد داشت. رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.

ذکر این نکته ضرورت دارد که در دوره ده ساله ابتدایی استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران با توجه به معضلات و مشکلات پیش آمده و تغییر شرایط جامعه طی این مدت، در سال ۱۳۶۸ با فرمان امام خمینی (ره) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد بازنگری قرار گرفت و یکی از محورهای بازنگری بحث رهبری بود. اصل یکصد و هفتم در سال ۱۳۶۸ مطابق با تغییرات اصل پنجم اصلاح شد و روش پذیرش مردمی را خاص امام خمینی دانسته و بر همین اساس، تنها روش برای انتخاب رهبر، طبق قانون اساسی اصلاح شده، گزینش توسط خبرگان معین گردید. به عبارت دیگر، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دو روش را برای انتخاب رهبر تجربه کرده است که یکی از آنها یک بار اتفاق افتاده و دیگر جای تکرار ندارد و راه دوم که همان گزینش و تعیین رهبر توسط مجلس خبرگان است، به عنوان تنها روش در قانون اساسی اصلاح شده باقی ماند و شورای رهبری نیز حذف شد (بهنیافر، ۱۳۹۰، ۱۸۱).

#### ۲-۱-۲-۴- با رأی اکثریت خبرگان منتخب مردم

پس از بازنگری در قانون اساسی، تنها شیوه انتخاب مقام رهبری منحصر در انتخاب توسط خبرگان منتخب ملت در مجلس خبرگان رهبری و به شکل رهبری فردی معین گردید. با دقت در گفتارها و نوشتارهای شهید بهشتی در می‌یابیم که باید نظر ایشان درباره مجلس خبرگان رهبری را در دو بازه زمانی مورد بررسی قرار دهیم:

#### الف) پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و تصویب قانون اساسی

آنچه که ایشان در یکی از جلسات تفسیر قرآن خود در سال ۱۳۵۲ درباره نحوه انتخاب رهبر اظهار داشته بودند این است که: «از آن جایی که رهبر باید لیاقت، آگاهی، شجاعت، توانایی، مدیریت برای اداره یک امت را داشته باشد بنابراین، در شناخت این صفات برای رهبر باید نظام و سیستمی بر مردم عرضه شود؛ چرا که آن شناسایی‌های فردی در این مورد کافی نیست و به یک نظام و سیستم در این زمینه نیاز است و این مسئله در شرایط، زمان و اوضاع و احوال سیاسی مختلف فرق می‌کند، اما در شرایط سالم پیشرفته جامعه اسلامی، برداشتی که از مجموع مطالعات و تحقیقات‌شان در این زمینه تا آن زمان داشته‌اند این است که مطمئن‌ترین و منطبق‌ترین راه انتخاب رهبری با موازین و معیارهای اسلامی، برای یک امت و گروه پیشرفته آگاه، انتخاب چنددرجه‌ای سیستماتیک است، مشابه با انتخابات حزبی» و این پاسخی بوده است که ایشان به صورت یک نظر داده‌اند (حسینی بهشتی، ۱۳۸۶، ۲۱۹).

### ب) پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تصویب قانون اساسی

ایشان پس از تصویب قانون اساسی که خود از اعضای بسیار مؤثر در مجلس خبرگان قانون اساسی بوده‌اند، در یکی از مصاحبه‌های خود که در آن زمان، مسئولیت ریاست دیوان عالی کشور را بر عهده داشتند درباره اصل یکصد و هشتم<sup>۱۱</sup> قانون اساسی و تشکیل مجلس خبرگان می‌فرمایند: «منظور از این مجلس خبرگان، مجلس خبرگانی است که در موارد مقتضی فقیه یا فقهای شورای رهبری را شناسایی و معرفی می‌کند، نه مجلس خبرگانی که در ذهن مردم است و مربوط به تهیه پیش نویس قانون اساسی بود. توجه دارید که در رساله‌های علمیه نیز نوشته شده که شناختن مجتهد عادل جامع شرایط یا شناسایی مجتهد اعلم یا مستقیماً صورت می‌گیرد و یا از راه شهادت افراد مطلع مورد اعتماد که به اصطلاح عربی آن‌ها را «خُبره» می‌نامند. به تعبیر صحیح‌تر کسانی هستند که کارشناس و صاحب نظر برای شناسایی اعلمیت یا فقاقت اشخاص‌اند. این مجلس خبرگان که در اصول قانون اساسی مربوط به رهبری پیش‌بینی شده در حقیقت مجموعه‌ای است از این افراد خبره. در قانون اساسی آمده است که طرح انتخابات این خبرگان را فقهای شورای نگهبان تهیه می‌کنند و این طرح را برای تصویب به امام تقدیم می‌کنند و این طرح پس از تصویب ایشان اعتبار قانونی خواهد داشت و در موقع مناسب این خبرگان به وسیله مردم تعیین خواهند شد» (واحد فرهنگی بنیاد شهید، ۱۳۶۱، ج ۲، ۴۸۶).

در واقع اگر مردم توانستند رهبر واقعی خود را تشخیص دهند، نیازی به خبرگان نیست دقیقاً به مانند آنچه درباره رهبری امام خمینی (ره) اتفاق افتاد و اگر نتوانستند باید خبرگانی را برای این امر انتخاب نمایند؛ بنابراین همیشه باید در نظام اسلامی مجلس خبرگان وجود داشته باشد تا در موقع لزوم نمایندگان مردم در مجلس خبرگان رهبری و وظیفه قانونی و شرعی خود را انجام دهند (طاهری خرم‌آبادی، ۱۳۹۰، ۳۴۱).

### ۲-۲-۴- انتخاب رییس جمهور

برداشت شهید بهشتی آن است که در عصر حاضر، حکومت و حاکمان آن باید مسئولیت خود را با تکیه بر آرای مردمی کسب نمایند و بدین ترتیب تنها کسانی حق زمامداری را دارند که از سوی مردم مورد پذیرش و حمایت آن‌ها باشد و هیچ کس حق تحمیل کردن خود بر مردم را ندارد (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰،

۱۱- قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آن‌ها و آیین‌نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیله فقهای اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آرای آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن پس هرگونه تغییر و تجدیدنظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان، در صلاحیت خود آنان است.

۱۵). بر این اساس و مبنای در نظام جمهوری اسلامی ایران بر طبق اصل یکصد و چهاردهم<sup>۱۲</sup> قانون اساسی، رئیس جمهوری منتخب به شکل مستقیم و با رأی مردم برای مدت چهار سال انتخاب می‌شود و انتخاب مجدد او به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است و این یکی از جلوه‌های نقش بی‌بدیل مردم و امت در استمرار حکومت اسلامی است (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰، ۴۳).

### ۳-۲-۴- انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی

رای و نظر شهید بهشتی درباره نقش مهم قوه مقننه بدین صورت است که قوانین اجرایی در هر زمینه باید با رعایت کامل موازین اسلام و قانون اساسی به وسیله مجلس شورای اسلامی بررسی و تصویب شود و نمایندگان این مجلس با رأی اکثریت مردم تعیین می‌شوند (حسینی بهشتی، ۱۳۸۸، ۳۹۲). مجلس یک مجموعه است و به دلیل آن که این مجموعه منتخب ملت است بنابراین، وقتی اکثریت نمایندگان رأیی را که مطابق اسلام باشد، پذیرفت و شورای نگهبان تشخیص داد که این تخلف از اسلام و قانون اساسی نیست، باید طبق آن عمل کرد (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰، ۱۱۱). به عبارت بهتر شهید بهشتی عقیده‌مند است که در نظام اسلامی، دولت در معنای عام خود، از دو طریق به امت مرتبط می‌شود، یکی از راه انتخاب رئیس جمهور و دیگری از طریق انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی و به این ترتیب دولت به صورت غیرمستقیم برخاسته از امت می‌شود (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۹۰، ۹۲).<sup>۱۳</sup>

### ۴-۲-۴- انتخاب اعضای شوراهای اسلامی

همان گونه که در قانون اساسی پیش‌بینی شده، شوراهای مردمی در سطح گسترده، در روستاها، شهرها و مؤسسات بر جریان کارها نظارت دارند و به حسن جریان امور کمک می‌کنند. اعضای این شوراها نیز به وسیله مردم انتخاب می‌شوند (حسینی بهشتی، ۱۳۸۸، ۳۹۳ - ۳۹۲). به اعتقاد شهید بهشتی مشورت مستمر با مردم و دخالت گسترده آن‌ها در «امر» اداره کشور، کلید واقعی حل مشکل در مسائل کشور است و زمانی که مردم در جریان زندگی اجتماعی خویش قرار گیرند، فرصت آن را می‌یابند که از بسیاری از ریزه کاری‌های مربوط به

۱۲- رئیس جمهور برای مدت چهار سال با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود و انتخاب مجدد او به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است.

۱۳- ایشان درباره تفاوت رای نمایندگان مجلس و رای رئیس جمهور معتقد بودند هر دو مقام با رأی مردم انتخاب شده‌اند، ولی نمایندگان مجلس یک «عده» هستند که با رأی مردم انتخاب شدند در حالی که رئیس جمهور یک «فرد» است. در نتیجه آرای یک عده که منتخب مردم هستند از استواری بیشتری برخوردار است (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰، ۶۷).

امور اجتماعی آگاه گردند و به تشخیص صحیح دست یابند. بدین جهت قرآن، نرمش مسئولان را در برخورد با نظرهای مشورتی مردم هرچند خام باشد، از ارزش‌های والای اسلامی می‌شمرد که برخواسته از رحمت الهی و مایه نزدیکی رهبری با مردم و استواری پیوند میان آن هاست و کم حوصلگی و انعطاف‌ناپذیری و برخورد تند با آن‌ها را مایه جدایی آن‌ها می‌داند (حسینی بهشتی، ۱۳۸۸، ۳۹۶).

بنابراین به این ترتیب است که در نظام اسلامی، حاکمیت مکتب و ولایت فقیه و حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش در یک نظم سازنده با یکدیگر همسو می‌شوند و این چندگونگی در یگانگی حل می‌شود و توحید اسلامی در حرکت رشدیاب انسان‌ها در راستای حکومت الله و دین و کتاب و شریعت او تحقق می‌یابد. اصولاً در هر حکومت که منتخب مردم باشد، رأی انتخاب‌کنندگان متضمن تعهد آن‌ها به پیروی از تصمیمات آن حکومت در اداره امور آن هاست. در جامعه اسلامی هم، اکثریت با رأی خود ضمن انتخاب‌های پنج‌گانه که بر شمردیم چنین تعهدی می‌کند و اقلیت نیز با انتخاب حضور اجتماعی با آن اکثریت، آن را می‌پذیرد (حسینی بهشتی، ۱۳۸۸، ۳۹۳).

### نتیجه

در پژوهش حاضر تلاش شد تا رویکرد و نظرات شهید بهشتی در باب نقش آفرینی و مشارکت مردم در تشکیل و اداره نظام اسلامی که در اندیشه ایشان نظام امت و امامت نام دارد، مورد بررسی قرار گیرد. شهید بهشتی از جمله کسانی است که مروج اندیشه حکمرانی دینی بوده است و ایشان به‌عنوان یکی از رهبران فکری انقلاب اسلامی ایران و یکی از اعضای فعال در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نقش مؤثری در تصویب و تحکیم پایه‌های مردم‌سالاری دینی در قانون اساسی داشته‌اند. شهید بهشتی بر این باور بود که جامعه ایران یک جامعه مکتبی است که بر دین مبین اسلام تکیه دارد و ضرورت دارد تا در آن احکام اسلامی اجرا گردد و به همین منظور رهبری این نظام و مرکز ثقل اداره‌اش بر عهده کسانی باید قرار گیرد که از نظر اخلاق و تقوا و از نظر علم و آگاهی به احکام و قوانین اسلامی شبیه‌ترین مردم به امام معصوم (ع) بوده و یک الگوی کامل برای مردم باشند و این امر نشان می‌دهد که این خود مردم هستند که باید کسی را به رهبری بپذیرند که واجد این صفات و خصوصیات باشد؛ زیرا در زمان حاضر به امام معصوم منصوب از جانب خداوند دسترسی وجود ندارد و سرپرستی جامعه اسلامی بر عهده فقیه عادل جامع‌الشرایط قرار می‌گیرد؛ مانند آنچه که درباره رهبری امام خمینی (ره) صورت گرفت که این مردم بودند که ایشان را به رهبری پذیرفتند.

از نظر شهید بهشتی در این نظام سیاسی، همه امور با ابتنای بر آرای عمومی صورت می‌گیرد و هیچ‌گونه فاصله و جدایی میان امام و امت وجود ندارد و مردم با اراده و انتخاب آزادانه خود زمینه تشکیل و ایجاد این نظام سیاسی را فراهم کرده‌اند. ایشان عقیده دارند در انتخاب امام و پیشوای جامعه، یک راه آن است که اکثریت قاطع مردم شخصی را به مقام رهبری بپذیرند و در غیر این صورت تشخیص این امر، بر عهده خبرگان منتخب ملت در مجلس خبرگان رهبری، براساس اصل یکصد و هشتم قانون اساسی خواهد بود. همچنین برداشت ایشان آن است که در عصر حاضر، زمامداران و مسئولان حکومت باید مسئولیت خود را با تکیه بر آرای مردمی کسب نمایند و بدین ترتیب تنها کسانی حق زمامداری را دارند که از سوی مردم مورد پذیرش و حمایت آن‌ها باشد و هیچ کس حق تحمیل کردن خود بر مردم را ندارد و به همین سبب نقش مردم در نظام اسلامی یک نقش ویژه می‌باشد به طوری که همه افراد عهده‌دار مناصب حکومتی به طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط مردم انتخاب می‌شوند و این مهم درباره انتخاب نوع حکومت و انتخاب اعضای مجلس تدوین قانون اساسی و همه‌پرسی پس از پایان فعالیت این مجلس رخ داده است و درباره گزینش همه مقامات حکومتی از رهبری، ریاست جمهوری، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اعضای شوراهای اسلامی نیز اتفاق می‌افتد، چرا که اقتضای نظام جمهوری اسلامی، مردم محوری است.

بنابراین با توجه به بررسی‌های انجام شده می‌توان پیشنهاد نمود که همه زمامداران و مسئولان امر که به طریقی برآمده از رای مردم هستند با به کارگیری مؤلفه‌های حکمرانی شایسته، از جمله خدمت بی‌منت به همه آحاد مردم، التزام به حاکمیت قانون و شفافیت در عمل و آگاه‌سازی مردم از جریان امور کشور در راه مردمی‌سازی و شرکت‌دادن مردم در اداره امور کشور گام بردارند تا هم موجب افزایش سرمایه اجتماعی حکومت در میان امت شوند و هم مردم را با اقدامات و کارهای خود همراه کنند تا زمینه پیشرفت در همه عرصه‌های کشور محقق گردد.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

**تعارض منافع:** تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.



## منابع

- قرآن کریم
- احمدی، ظهیر، ۱۳۸۸، مفهوم‌شناسی امت در قرآن و اجتماع، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره ۲.
- اداره کل امور فرهنگی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، صورت مشروح مذاکرات مجلس نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، تهران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
- اردشیری لاجیمی، حسن، ۱۳۹۰، گزیده‌ای از دیدگاه‌های شهید بهشتی، چاپ دوم، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
- ارسطو، محمدجواد و نیکونهاد، حامد، ۱۳۹۳، مفهوم امت در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه دانش حقوق عمومی، شماره ۳.
- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۹۰، ارزش‌ها در نگاه شهید بهشتی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی.
- واحد فرهنگی بنیاد شهید، ۱۳۶۱، بهشتی سید مظلوم امت، جلد دوم، تهران، انتشارات واحد فرهنگی بنیاد شهید.
- بلباسی، میثم و کلاتتری، ابراهیم، ۱۳۹۷، مدل‌های حکومت قابل طرح براساس نظریه ولایت فقیه با تأکید بر اندیشه علمای شیعه از عصر صفویه تا دوره معاصر، جستارهای سیاسی معاصر، شماره ۴.
- بهنیافر، احمد، ۱۳۹۰، ولایت فقیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قبل و بعد از بازنگری، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۸.
- حسینی بهشتی، سیدمحمد، ۱۳۸۲، حق و باطل از دیدگاه قرآن، چاپ سوم، تهران، نشر بقعه.
- حسینی بهشتی، سیدمحمد، ۱۳۸۶، ولایت، رهبری و روحانیت، چاپ دوم، تهران، نشر بقعه.
- حسینی بهشتی، سیدمحمد، ۱۳۸۸، حزب جمهوری اسلامی (مواضع تفصیلی)، چاپ اول، تهران، نشر روزنه.
- حسینی بهشتی، سیدمحمد، ۱۳۹۰، حزب جمهوری اسلامی (گفتارها، گفت‌وگوها و نوشتارها)، چاپ دوم، تهران، نشر روزنه.

- حسینی بهشتی، سیدمحمد، ۱۳۹۰، الف، **مبانی نظری قانون اساسی**، چاپ چهارم، تهران، نشر بقعه.
- حسینی بهشتی، سیدمحمد، ۱۳۹۰، ب، **شناخت اسلام**، چاپ دوم، تهران، نشر بقعه.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۰، انسان ۲۵۰ **ساله امام حسین علیه‌السلام و واجب بزرگ اسلامی**، چاپ چهارم، تهران، نشر مرکز صها.
- جوان آراسته، حسین، ۱۳۸۷، **مبانی حکومت اسلامی**، چاپ ششم، تهران، نشر بوستان کتاب.
- سرابندی، محمدرضا، ۱۳۸۶، **سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های آیت‌الله شهید دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی**، جلد سوم، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شعاع حسینی، فرامرز، ۱۳۹۲، **بهشتی از زبان بهشتی**، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- شعاع حسینی، فرامرز، ۱۳۹۲، **بهشتی از زبان بهشتی**، جلد سوم، چاپ اول، تهران، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- طاهری خرم‌آبادی، سیدحسن، ۱۳۹۰، **ولایت و رهبری در اسلام**، چاپ دوم، قم، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- قاسمی، صدیقه، ۱۳۹۵، **اسلام و مقتضیات زمان از دیدگاه شهید آیت‌الله دکتر بهشتی**، چاپ دوم، تهران، انتشارات روزنه.
- کعبی، عباس، ۱۳۹۴، **مبانی حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، چاپ اول، تهران، انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع).
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۷، **حکیمانانه‌ترین حکومت: کاوشی در نظریه ولایت فقیه**، چاپ چهارم، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ورعی، سیدجواد، ۱۳۹۶، **شهید بهشتی و حقوق ملت در قانون اساسی**، فصلنامه سیاست‌نامه مفید، شماره ۲.
- ورعی، سیدجواد، ۱۳۹۸، **نقش شهید بهشتی در تدوین قانون اساسی با تأکید بر حقوق مردم**، چاپ اول، تهران، انتشارات روزنه.

## قوانین

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

Feasibility of Referring to Adjustment Theory in Iranian Law as a Solution in Contractual Excuse - **Roshan Ali Shekari, Sayyed Mostafa Milani**

Criminal Protection of the Rights of Future Generations in International Documents - **Adel Sarikhani, Mostafa Karami Pour**

Analysis of the Right of the People to Control the Government from the Point of View of Ali (PBUH) by Looking at the Constitution of the Islamic Republic of Iran - **Ebrahim Musazadeh, Mohammad Salehi**

Reflections on the Legislation of Oath (Qassameh) According to the Science of Criminalistics - **Mohammad Ali Hajjidehabadi, Ruhollah Shamshiri**

Rereading Interactions (Some Religious Groups and Actors in the International System) the Field of Terrorism as a Means of Achieving National Interests with an Emphasis on Legal Responsibilities in Islamic Countries - **Sayyed Mohammadreza Mousavifard, Hamidreza Norozian, Arefeh Kordi Nasab, Nafiseh Tosi, Ayda GHasem Zadeh**

The Principle of Prohibition of Repatriation of Refugees from the Perspective of Human Rights Documents with Emphasis on Environmental Refugees - **Mahnaz Khorsandi, Asgar Jalalian**

Dangers of Prioritizing Financial Issues in Legal Professions - **Mohammad Setayesh Pur, Maryam Faraji Tark**

The Rulings and Effects of Permission in the Legal System of Iran and France - **Hasan Najjarha**

Comparison of the Actus Reus of the Crime of Computer Fraud with Traditional - **Ali Paidarfard, Javad Naderi ooj Boghzi, Ahmadreza Emtehani**

Theoretical Foundations of Military Weapons Equipment Control with an Emphasis on Contradictory Stands of UN and WTO on Conventional Military Weapons Trade - **Pouria Ebrahimzadeh, Somayeh Rahmanian**

Child and Childhood from the Perspective of Philosophy and Literature - **Maryam SHA'ban**

Validity of Sealed Order in Civil and Criminal Cases - **Amir Mohammadi, Mohammadmahdi Heydari, Soheyla Moradi GHaleh**

The Status of the Kosovo Specialist Branches in Global Criminal Justice System - **Mostafa Fazaeli, Arash Maleki**

Criminalization of Informing the Contrary in Iranian Law - **Saeed Asadzadeh, Fatemeh Ahadi, Mojtaba Kanjori**

The Actions of Foreign Companies Regarding Iraq's Use of Chemical Weapons in Holy Defense from the Perspective of International Responsibility Rights - **Mohammad Setayesh Pur, Parnian Shafae**

Sociological and Criminological Review of the Phenomenon of Prostitution in the International System and Iran with Emphasis on the Teachings of Islamic Criminology - **Sayyed Mohammadreza Mousavifard, Asad Akhzari Fard, Ali Mardan Ahmadi**

The Police's Interaction with the Crime Prevention Institutions - **Mina Momeni, Sayyed Mahdi Ahmadi Musavi**

Immigrant Children's Rights in National and International Documents - **Reza Khaje Nooredini, Sayede Parisa Mirabi**

The Real Competency of Criminal Laws from the Perspective of Islamic Law - **Mostafa Karami Pour, Mona Rajabzade Baghi**

Exploring the Shift from Physical to Cybercrime at the Onset of the COVID-19 Pandemic with an Approach to Routine Activity Theory - **Maryam Kamaei**

The Position of British Security Officers in the Detection of Crimes - **Zahra Vahabi, Arash Razmi**

The Independence of Judges in the Legal System of the Islamic Republic of Iran in the Light of the Teachings of Islam - **Mohammad Setayesh Pur, Fatemeh Zahra Aslan**

Legal Conditions and Legal and Criminal Dimensions of Intellectual Property in the Legal System of the Islamic Republic of Iran - **Somayeh Zilabi, Sadeh Fetili, Ebrahim Moghaddam**

Feasibility Study of the Realization of the Idea of Criminalization (Crime of Civil Liability of Managers) from Theory to Practice Based on the Approaches of the Model of Criminal Responsibility Model of the Law of Strategic Action to Cancel of Sanctions - **Sayyed Mohammadreza Mousavifard, Hamidreza Norozian, Nafiseh Dharovieh, Mohammad Rasol Ansari Nia, Neda Haghghi Jurisprudential-Legal Evaluation of the Real Multiplicity in the Hodood, Retaliation and Diat - Ali Mohammadi Jurkoye, Ahmadreza Emtehani, Javad Naderi ooj Boghzi**

The Position and Role of the People in the Establishment and Continuation of Ummat and Imamat System In the Light of Martyr Beheshti's Opinions - **Mohammad Sadeq Darivand**

Mediation, Participatory Justice System, Third Generation Criminal Justice System and the Rights of Parties the Lawsuit - **Sadeh Fetili, Mohammad Fetili, Ebrahim Moghaddam**